

بررسی رابطه میان عوامل اجتماعی و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار (مورد مطالعه: زنان شهر ایلام)

دکتر سید محمد سید میرزایی ^۱	۹۰/۳/۳۱	تاریخ دریافت:
زهرا عبداللهی ^۲	۹۰/۶/۲	تاریخ پذیرش:
خلیل کمربگی ^۳		

چکیده

هدف از این مقاله، بررسی عوامل اجتماعی موثر بر امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار (فوت همسر و مطلقه) تحت پوشش سه سازمان حمایتی (کمیته امداد امام (ره)، بهزیستی و بنیاد شهید) در ابعاد امنیت عاطفی، ارتباطی، مالی و جانی می باشد. تئوری امنیت اجتماعی با الگو گرفتن از مکتب کپنهاک و استفاده از نظریات امیل پارسونز، باری بوزان و... در سطح تجربی تایید گردید. چرا که امنیت اجتماعی در گرو توان و قدرت واحد اجتماعی تعریف شده است. برای این نوع مطالعه از دو روش اسنادی و پیمایشی - میدانی استفاده گردیده است. حجم نمونه پژوهش با استفاده از فرمول آماری کوکران ۳۱۰ انتخاب و سهمیه هر سازمان با روش مطبق (طبقه بندی) برحسب جمعیت زنان سرپرست خانوار تحت حمایت هر سازمان انتخاب و اطلاعات مورد نظر بوسیله ابزار پرسشنامه (به تعداد ۵۳ سوال) و مصاحبه عمیق با زنان سرپرست خانوار و مطالعه پرونده های حمایتی آنان جمع آوری و برای تعیین روایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ (۰/۷۶) استفاده شد و تحلیل داده ها از طریق نرم افزار SPSS صورت گرفت. تکنیک تحلیل عامل نشان داد حمایت خانواده، اعمال قانون و توانمندی زنان در امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار تاثیر به سزایی دارد. آزمون همبستگی دو متغیره لاندا در سطح معنادار ۰/۰۵ رابطه بین نوع سازمان حمایتی و امنیت اجتماعی تایید می کند.

واژه های کلیدی: امنیت اجتماعی، امنیت مالی، امنیت عاطفی، امنیت ارتباطی، زنان سرپرست خانوار

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه (نویسنده مسئول)

Email:Abdolahiz2011@yahoo.com

۱- کارشناس ارشد مطالعات زنان

۲- کارشناس ارشد جامعه شناسی

مقدمه

بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۸۵ تعداد خانوارهای زن سرپرست خانوار، بیش از یک میلیون و ۶۴۱ هزار خانوار می باشد. میزان سهم زنان در سرپرستی خانوارها ۹/۴ درصد، که این میزان در سال ۱۳۷۵، ۸/۴ درصد بوده است. بنابراین سالانه ۶۰ هزار زن در کشور بی سرپرست شده اند. کارشناسان یکی از دلایل این رشد را بالا رفتن نرخ طلاق در ایران می دانند. زنان سرپرست خانوار شامل زنان بیوه، زنان مطلقه اعم از زنانی که پس از طلاق به تنهایی زندگی می کنند یا به خانه پدری بازگشته، ولی خود امرار معاش کرده اند، می شوند. در مورد تعداد زنان سرپرست خانوار در ایران، درصد قابل توجهی از خانوارها توسط زنان اداره می شود اما در سرشماری رسمی مدیریت خانوار به حساب نمی آیند، چرا که در این خانوارها، مردان سرپرست خانوار، بیکار، زندانی، متواری و معتاد بوده اما سرپرست خانوار همچنان مرد می باشد. این درحالی است که سرپرست و تامین کننده اصلی مخارج خانوار، زن است. بنابراین بی توجهی به این قشر موجب بروز و تشدید آسیب پذیری اعضا و ایجاد ناهنجاری های اجتماعی و فرهنگی می شود. اکثر زنان سرپرست خانوار کم سواد و فاقد مهارت کافی می باشند و به لحاظ عهده دار شدن مسئولیت زندگی، قادر به اشتغال رسمی و دستیابی به منبع با درآمد کافی برای خود نیستند. تجربه نشان داده است که حمایت های مستقیم مالی و اقتصادی از زنان سرپرست خانوار، دستاوردهای مورد انتظار به همراه نداشته است. هدف نهایی برنامه های فقرزدایی آن است که در نهایت با بهره گیری از سازوکار بازار کار و اشتغال از طریق پوشش، بیمه ای، از فقرا حمایت به عمل آمده و امنیت آنان فراهم گردد. انسان ها در موقعیت های گوناگون با امنیت مرتبط هستند. بنابراین امنیت در مرکز و هسته زندگی تک تک آحاد جامعه قرار داشته و برای همه حائز اهمیت است.

بیان مسأله و ضرورت انجام آن

حیات انسان از بدو تولد، با محافظت و مراقبت تضمین و تامین می گردد. چرا که بیماری ها، آسیب ها و خطرات محدود به دوران خاصی از زندگی نیستند و در تمام مراحل زندگی وجود دارند، به همین دلیل نیاز به شرایطی بدون خطر و امن، یک نیاز دایمی است و پایانی برای آن نمی توان تصور کرد. چنانکه سلسله نیازهای مزو نیز حکایت همین مدعاست. مزو نیاز به ایمنی را پس از نیازهای فیزیوژنیک قرار داده است و ضرورت نیاز به ایمنی به حدی

است که آن را قبل از نیاز به روابط اجتماعی، طرح نموده است. امنیت در لغت مصدر جعلی یا صناعی فارسی است به معنی «ایمن شدن» در امان بودن و بی بیمی (معین، ۱۳۷۷: ۳۵۴) و «ایمنی، آرامش و آسودگی». که در اصل از مصدر عربی امن گرفته شده است و معنی آن با امن یکی است. امن یعنی «اطمینان و آرامش خاطر» و ایمنی، آرامش قلب و خاطر جمع بودن (عمید، ۱۳۷۵: ۲۷۵). بنابراین از آنجایی که امنیت از واژه امن گرفته شده است و با آن هم ریشه و معنای هر دو یکی می باشد، لذا می توان عنوان نمود که امنیت داشتن، مترادف با در امان بودن است. ایمنی، آسودگی و خاطر جمعی که با ترس، بیم و هراس در تضاد است؛ هنگامی عینیت پیدا خواهد کرد که از عوامل و موجبات ترس و وحشت اثری نباشد. فارغ از ریشه لغوی، در مقام تعریف امنیت باید گفت که: «مفهوم امنیت مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت است و در مورد افراد به معنی آن است که مردم هراس و بیمی نسبت به حقوق و آزادی های مشروع خود نداشته و به هیچ وجه حقوق آنان به مخاطره نیفتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آنان را تهدید ننماید.» (زنجانی، ۱۳۷۳: ۱۵۳) به هر حال در دنیای امروز، در خصوص امنیت و مفاهیم آن، برداشت های گوناگونی در جامعه وجود دارد که گاهی منظور «امنیت فردی» است. یعنی حیثیت و آبروی افراد در امان باشد و مورد تعدی و تجاوز افراد و دستگاه های حکومتی قرار نگیرد. در برخی موارد نیز منظور از مفهوم «امنیت»، همانا «امنیت اجتماعی» است. یعنی این که طراحی سیستم امنیتی، باید طوری باشد که مال و جان مردم جامعه در امان باشد در این مفهوم، حفظ جان و مال افراد جامعه از مسوولیت های مهم هر حاکمیتی تلقی می گردد (لرنی، ۱۳۸۳: ۱۳). مراد ما از امنیت اجتماعی در این پژوهش مفهوم «social security» است. البته در این میان برخی معتقدند واژه «societal security» به معنی امنیت جامعه‌گی، ناظر به تولید امنیت از بستر جامعه و دارای ویژگی های پیش گفته می شود. اما از آنجا که امنیت جامعه‌گی واژه‌های متداول نیست، از واژه امنیت اجتماعی «social security» در تبیین این مفهوم مدد می گیرند (کلاهیجان، ۱۳۸۲: ۱۳۷).

مهمترین نیاز امروز زنان برای گسترش فعالیت های اجتماعی آنها ایجاد امنیت است و هر چه حضور زنان در عرصه های مختلف جدی تر و پررنگتر باشد، امنیت آنها بیشتر خواهد شد. در جامعه ما تعداد زنانی که مجبورند برای تأمین زندگی خود، در کارگاه های بزرگ و کوچک، کارهای دشوار و طاقت فرسا را بپذیرند، کم نیستند. رسیدگی به وضع این زنان

نه تنها یک ضرورت ملی است، بلکه نیازمند ابزارهای قانونی مؤثر نیز هست. زنان سرپرست خانوار از جمله گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماع هستند که گاه، عواملی چون طلاق، فوت و یا اعتیاد همسر، از کار افتادگی، رها شدن توسط مردان مهاجر و یا بی‌مبالاتی، موجب آسیب‌پذیرتر شدن این طیف وسیع از جامعه می‌شود. در پژوهش حاضر زنان سرپرست خانوار، زنانی هستند که به دلیل فوت شوهر یا طلاق، سرپرستی خانواده را بر عهده گرفته‌اند. به عبارتی، زنان سرپرست خانوار، زنانی هستند که بدون حضور منظم و یا حمایت یک مرد بزرگسال، سرپرستی خانواده را بر عهده گرفته‌اند. در این پژوهش سعی بر آن است که بدانیم آیا زنان سرپرست خانوار شهر ایلام امنیت اجتماعی دارند؟ و عوامل مرتبط با امنیت اجتماعی آنان کدامند؟ پس هدف اصلی از انجام این پژوهش، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار در شهر ایلام و تبیین عوامل مرتبط با آن می‌باشد.

مروری بر مفاهیم و اصطلاحات

• مفهوم امنیت

کلمه امنیت را ایمن شدن، در امان بودن، اطمینان و آرامش خاطر، آرامش قلب و خاطر جمع بودن معنی کرده‌اند. از طرف دیگر مفهوم امنیت به مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بودن، رضایت و در مورد افراد، به نبود هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع و به مخاطره نیفتادن این حقوق و آزادی‌هاست (صدیق سروسستانی، ۱۳۷۶: ۱۱۵).

• امنیت اجتماعی

باری بوزان^۱ امنیت اجتماعی را قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی با شرایط قابل قبولی از تحول می‌داند (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴). در واقع بوزان، امنیت اجتماعی را به حفظ ارزش‌ها و هویت گروهی تقلیل می‌دهد و امنیت اجتماعی را به چگونگی حفظ و دفاع از ارزشها و هویت‌ها می‌داند. همچنین بوزان معتقد است: «اصولاً امنیت اجتماعی به الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، هویت مذهبی و قومی و رسوم مربوط می‌باشد این ارزشها اغلب در داخل کشور مورد تهدید قرار می‌گیرند. دولت-ملت متوجه خاموش کردن یا حداقل یکی سازی هویت‌های اجتماعی شبه ملی است» (همان: ۱۴۸). منابع

اصلی برای تأمین امنیت اجتماعی شامل هنجارهای اجتماعی یا ابزار کنترل درونی، دوست یا ابزار کنترل بیرونی و گروههای هویتی است. تأمین امنیت اجتماعی برای زنان احتمالاً با رهیافت نظری «هویت محور» بیشتر سازگار دارد تا رهیافت نظری «دولت محور» و در رویکرد فمینیستی نیز، امنیت اجتماعی زنان با توجه به مفاهیم هویتی مطرح شده است. اما در جامعه ایرانی، امنیت داخلی (اجتماعی) بدون داشتن قدرت سلبی (بازدارنده) محقق نمی‌شود (افتخاری، ۱۳۸۴: ۱۰۸).

• سرپرست خانوار

تاکنون نزدیک به ۸۰ تعریف متفاوت از واژه سرپرست خانوار به عمل آمده است. از نظر جامعه‌شناسان، واژه سرپرست خانوار^۱ یک اصطلاح توصیفی است و سرپرست خانوار به کسی اطلاق می‌شود که قدرت قابل ملاحظه‌ای بر سایر اعضای خانوار دارد. معمولاً مسن‌ترین فرد خانوار است و مسئولیت اقتصادی خانوار به عهده وی است. این تعریف تا سالهای اخیر در کشورهای اروپای غربی رایج بود (مگوان، ۱۹۹۰: ۲۱۶).

• زنان سرپرست خانوار

زنان خودسرپرست در تعاریف جامعه‌شناسی به بسیاری از زنانی گفته می‌شود که به دلایل متعددی مانند زندانی شدن یا از کارافتادگی همسر، طلاق و ... سرپرستی خانواده خود را به عهده گرفته‌اند. در جوامع مختلف بسته به الگوهای فرهنگی خاص جامعه، تعاریف متفاوتی برای زنان سرپرست خانوار با توجه به نقش‌های مختلف زنان در خانواده وجود دارد. به همین جهت تعریف زنان سرپرست خانوار تا حدودی مشکل است. زیرا در برخی از خانوارها علیرغم حضور مرد بزرگسال در خانواده، آنها نان‌آور خانواده بوده و عملاً خانواده توسط آنها سرپرستی می‌شود. به طور کلی واژه سرپرست خانوار، تلویحاً این فرض هنجاری را در بردارد که یک قدرت مسلط در خانوار وجود دارد (تقی‌زاده، ۱۳۸۶: ۸). بنابراین می‌توان گفت زنان سرپرست خانواده زنانی هستند که بدون حضور منظم و یا حمایت یک مرد بزرگسال، سرپرستی خانواده را به عهده دارند.

• توانمندسازی زنان

به این معنی است که زنان بر شرم بی مورد خود فایق آیند، قدرت رویارویی با دشواری‌ها و سختی‌ها را داشته باشند و قادر به ارزیابی صحیح و شناخت واقعی خویش‌شان بوده و در رفع آنها بکوشند (تقی نژاد، ۱۳۸۶: ۱۲).

• امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی یکی از شاخص‌های اساسی رفاه اجتماعی است که می‌توان آن را در یک شبکه علت و معلولی مورد بررسی و ارزیابی قرار داد. بدین لحاظ امنیت اجتماعی، به توانایی جامعه برای حفظ ویژگی‌های اساسی خود در برابر شرایط متحول و تهدیدات واقعی یا احتمالی مربوط است (نویدینیا، ۱۳۸۴: ۶). که در اینجا امنیت اجتماعی در ابعاد امنیت جانی، امنیت مالی، امنیت عاطفی و امنیت ارتباطی مورد بحث می‌باشد.

- امنیت جانی: یعنی تضمین جسم و جان افراد در مقابل خطرات و آسیب‌هایی که مانع ادامه حیات آنان شود.

- امنیت مالی: اطمینان از در امان ماندن اموال و دارایی‌ها و سایر منابع مالی در برابر آسیب‌های مختلف

- امنیت عاطفی: یعنی اطمینان از آنکه دیگران ما را دوست دارند و بود و نبودمان برایشان اهمیت دارد، دردها و مصائب ما، آنان را نیز دچار اندوه و غم می‌کند.

- امنیت ارتباطی: مجموعه تعاملات که فرد با اعضای خانواده، خویشاوندان، افراد جامعه و... دارد و اعتمادی که در برقراری ارتباط با دیگران وجود دارد که منجر به تسکین روحی می‌گردد (همان؛ ۷).

• حمایت خانواده

به ایجاد زمینه‌های مناسب رشد و تعالی زنان، تقویت و استحکام نهاد خانواده مربوط می‌شود.

• اعتماد به اعمال قانون

قانون مسیری است که توسط حکومت یا جامعه برای رشد انسان و جامعه تعیین می‌شود.

دوران طولانی زندگی بشر همواره دستخوش تغییرات در گرایش به قانون بوده است (ویکی پدیا). منظور از اعتماد به قانون، باور به این میثاقی است که افراد را به هم پیوند می دهد (تقی نژاد، ۱۳۸۶: ۱۳).

• جنسیت و احساس امنیت

جنسیت به عنوان تاثیر گذارترین عامل شخصیتی، در احساس ناامنی مطرح شده است. با توجه به اینکه، نوع جنایت در مورد زنان و مردان متفاوت است حس امنیت آنان نیز تبعاً تفاوت دارد. عموماً زنان نسبت به مردان احساس ترس بیشتری می کنند، گرچه ممکن است کمتر از مردان، قربانی خشونت در محیط های عمومی شهری شوند. به طور کلی مردان احساسی مثبت تر در مورد امنیت محیط خودشان نسبت به زنان دارند مثلاً؛ هم مردان و هم زنان در تاریکی احساس ناامنی می کنند، اما درجه حس ناامنی در زنان بالاتر است. مطالعات نشان می دهد که زنان از بعضی شرایط نظیر تنها ماندن در برخی فضاها یا تاریکی هوا می ترسند. برای مثال نتایج تحقیقاتی که در مورد ارتقای امنیت زنان در بریتیش کلمبیا^۱ در سال ۱۹۹۲ انجام شد، نشان می دهد که عموماً ۶۰ درصد از زنان کانادایی از تنها پیاده روی کردن در محله و واحد همسایگی خود بعد از تاریک شدن هوا وحشت دارند. ۷۶ درصد از منتظر ماندن برای استفاده از وسایل نقلیه عمومی بعد از تاریک شدن هوا می ترسند و ۸۳ درصد از تنها پیاده روی کردن به سمت ماشین در گاراژها و پارکینگ ها واهمه دارند. (بمانیان و...، ۱۳۸۸: ۵۲). ترس از وقوع جرم و قربانی شدن، رفتار و حالات را در فضاهای عمومی شهری تغییر می دهد و این اثرات روی زنان و دیگر گروه های آسیب پذیر اجتماعی و اقتصادی شدیدتر است؛ اثراتی که حرکت های آنها را محدود می کند و به ویژه باعث می شود بعد از تاریک شدن هوا در خانه بمانند و فرصت های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آنها را کاهش می دهد. در چنین شرایطی زنان از فعالیت های اقتصادی و اجتماعی نظیر کار کردن تا دیر وقت، یا شغل هایی که شیفته هستند یا کلاس های نوبت عصر و فعالیت هایی نظیر آن احساس ترس می کنند و البته در این گونه موارد هیچ تردیدی نیست که همواره زنان فقیرتر، بیشتر قربانی جنایت و ترس ناشی از این ناامنی می شوند (لوبوا و متانی، ۲۰۰۴: ۱۶).

نظریه های مربوط به امنیت

تالکوت پارسونز

پارسونز جامعه را متشکل از اجزایی می دانست که اصطلاحاً پایگاه نقش ها می شود. (ورسلی، ۱۳۷۸: ۶۵) بنابراین وقتی خرده سیستم ها به ایفای نقش های خویش پرداخته و آسیبی متوجه آنان نباشد یا همچنین امکان کسب فرصت ها برای انسجام خرده سیستم ها فراهم باشد، امنیت اجتماعی برقرار شده است. پارسونز برای امنیت اجتماعی چهار بعد قائل است که هر کدام مربوط به یک خرده سیستم جامعه هستند و از آنها برآیند بر خورداری از این چهار بعد امنیت اجتماعی می توان به تحقق امنیت در سطح جامعه امید داشت. امنیت مالی و اقتصادی، امنیت سیاسی، امنیت حقوقی و قضایی، امنیت فرهنگی به ترتیب در نظام فکری پارسونز ضروری بوده و هر یک از جایگاه خاصی برخوردارند. فقدان هر یک از این ابعاد امنیت، روند سیررنتیکی را دچار اختلال نموده و دنیای کار کردها را مختل، جامعه را در کلیت خود دچار عدم تعادل و پریشان حالی می کند. بنابراین برای داشتن جامعه ای توأم با آرامش و اطمینان خاطر لازم است به هر چهار بعد امنیت توجه داشت و با تضمین آنان، امنیت جامعه را فراهم نمود (نویدنیا، ۱۳۸۲: ۸۰-۷۹). چنانچه ملاحظه می گردد به استناد تعاریف جامعه، برداشت ما راجع به امنیت اجتماعی متعدد، مختلف، متفاوت و بعضاً متناقض خواهد بود. گرچه قصد آن نیست که منکر چشم اندازهای گوناگون شد، اما رسیدن به اجماع نظری در حوزه معانی امنیت اجتماعی نباید از این نکته اساسی غافل بود که امنیت اجتماعی، گرچه به امنیت و اجتماع تکیه زده است، اما خود مفهوم جدیدی را شکل می بخشد که نیازمند نگاهی متفاوت است. از این رو، لازم است با نگرش متفاوت و در عین حال مستقل از واژه های تشکیل دهنده آن، به بحث و مطالعه راجع به امنیت اجتماعی پرداخته شود. (همان: ۸۰)

• آنتونی گیدنز

از نظر گیدنز، امنیت را می توان موقعیتی خواند که در آن با یک رشته خطرهای خاص مقابله، یا به حداقل رسانده می شود. تجربه امنیت به تعادل اعتماد و مخاطره بستگی دارد. امنیت چه به معنای بالفعل و چه به معنای تجربی آن، ممکن است به مجموعه هایی از آدم ها، تا مرز امنیت جهانی یا به افراد، ارتباط داشته باشد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۴۴). به این ترتیب، گیدنز

مصونیت در برابر خطرها را «امنیت» تعریف کرده است. در نظر گیدنز، خطر و امنیت دو روی یک سکه را تشکیل می دهند به گونه ای که وقتی امنیت وجود دارد خطر رخت بر میندد و بالعکس زمانی که با خطر دست و پنجه نرم می کنیم، امنیت مغشوش و پنهان است. سپس او به طرح «امنیت وجودی» به عنوان یکی از صورتهای مهم امنیت پرداخته است و از ضرورت «امنیت وجودی» برای مقاومت در مقابل هجوم گسترده و بی سابقه مخاطرات نهادهای مدرنیت سخن می گوید. امنیت وجودی از نظر گیدنز، عبارت است از: ایمن بودن یعنی در اختیار داشتن پاسخ هایی در سطح ناخودآگاه و خودآگاهی عملی برای بعضی پرسش های وجودی بنیادین که همه آدمیان طی عمر خود به نحوی مطرح کرده اند. (نویدنیان، ۱۳۸۸: ۳۳) به عبارت دیگر، این اصطلاح به اطمینانی بر می گردد که بیشتر آدم ها به تداوم تشخیص هویت خود و دوام محیط های اجتماعی و مادی کنش در اطراف خود دارند.

• باری بوزان

اصطلاح امنیت اجتماعی را باری بوزان برای اولین بار در کتاب «مردم، دولت ها، هراس» بکار برد. امنیت اجتماعی تنها یکی از بخش های پنجگانه رویکرد پنج بعدی او به فرضیه امنیت است. دیگر بخش های این رویکرد عبارتند از: امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی و محیطی. بطور کلی، امنیت نظامی به اثرات متقابل توانایی های تهاجمی و دفاعی مسلحانه دولت ها و نیز برداشت آنها از مقاصد یکدیگر مربوط است. امنیت سیاسی ناظر بر ثبات سازمانی دولت ها، سیستم های حکومتی و ایدئولوژیی است که به آنها مشروعیت می بخشد. امنیت اقتصادی یعنی دسترسی به منابع، مالیه و بازارهای لازم برای حفظ سطوح قابل قبولی از رفاه و قدرت دولت، امنیت اجتماعی به قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت ملی با شرایط قابل قبولی از تحول مربوط است. امنیت زیست محیطی ناظر است بر حفظ محیط جهانی به عنوان سیستم پشتیبانی ضروری که تمام حیات بشری بدان متکی است. این پنج بخش جدا از یکدیگر عمل نمی کنند. هر یک از آنها دارای کانون مهمی در درون مساله امنیت و روشی برای تنظیم اولویت ها بوده و از طریق ارتباطات قوی به یکدیگر متصل هستند (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴). به عقیده بوزان جوامع درباره مقوله «هویت» بسیار اساسی برخورد می کنند، او استدلال می کند که مقوله کلیدی جامعه هویت است. یعنی آن دسته از عقاید و اعمالی که افراد را به عنوان اعضای جامعه خاص معرفی و باز می شناساند. جامعه

درگیر هویت و درگیر خودباوری گروه‌ها و افرادی که خود را اعضای جامعه می‌دانند (بوزان، ۲۰۰۰: ۴۰). به عبارت دیگر جوامع متشکل از یک احساس هویت اجتماعی هستند. همان چیزی که به افراد و گروه‌ها امکان می‌دهد خود را به عنوان یک جزء از جامعه تلقی نمایند. با این تفصیل بوزان بحث خود را با تاکید بر اصول نظام ارگانیکی بیان نموده و در ادامه عناصر ارگانیکی امنیت اجتماعی را «هویت» نامیده و امنیت اجتماعی را مترادف «امنیت هویت» تلقی می‌کند (همان: ۴۱). بوزان تعریف شریطی که در آن یک خطر جدی امنیت جامعه‌گی را تهدید می‌کند، کار مشکلی دانسته و چنین ابراز می‌دارد: آنچه تهدید تلقی می‌شود با آنچه عملاً می‌تواند تهدید باشد، ممکن است کاملاً متفاوت باشند. شاید نتوان تهدیدات واقعی را با دقت دید یا تهدیدات فرضی تلقی شده واقعی نباشد اما ممکن است دارای آثار واقعی گردند. در مجموع تهدیداتی که امنیت اجتماعی را به خطر می‌اندازد زمانی روی می‌دهند که جامعه ما به این استنتاج دست یابد که در یک شرایط خاص هویت آنها (یعنی «ما») مورد تعرض و خطر واقع شده است عواملی که می‌توان هویت یک جامعه را تهدید کنند ممکن است از آزادی بیان تا مداخله در قابلیت‌های آن برای ابراز و بیان خود، تنوع داشته باشند. به عقیده‌ی بوزان این عوامل ممکن است مشتمل بر این موارد باشند: «ممنوعیت بکارگیری زبان، نام و لباس‌ها، همچنین بستن مکان‌های آموزشی و دینی و یا تبعید و کشتار اعضای آن گروه خاص» (همان: ۴۳) و تهدیداتی که ممکن است از طریق به کارگیری و استفاده مداوم از اقدامات سرکوبگرانه بر ضد بیان و ابراز هویت صورت گیرند. اگر موسساتی که زبان و فرهنگ تولید می‌کنند از ادامه فعالیت منع گردند، طبیعتاً هویت نمی‌تواند از یک نسل به نسل دیگر به صورت درست و کارا انتقال یابد. بنابراین برخی تهدیدات که متعرض امنیت جامعه‌گی می‌شوند ممکن است نظامی باشند. از جمله کشتن اعضای گروه، فتح قلمروی تاریخی آنها. اما برخی تهدیدات نیز ممکن است غیر نظامی باشند مثل محروم کردن گروه‌ها از حقوق زبانی و آزادی دینی و پرستش خود. بنابراین با قدری تامل می‌توان دریافت در شرایطی که بسیاری از جوامع نگران ناامنی‌های پیرامون مثلاً تمامیت ارضی و استقلال سیاسی خود هستند، حادث‌ترین و مهمترین نوع ناامنی که از آن غافل مانده‌اند مربوط به تهدیدکننده‌های تداوم هویتشان می‌شود (همان: ۵۲).

تعریفی که ویور از امنیت اجتماعی بدست می دهد همسو با تعریف بوزان می باشد. ویور امنیت اجتماعی را چنین تعریف می نماید: «امنیت اجتماعی به توانایی جامعه برای حفظ ویژگی های اساسی خود در برابر شرایط متحول و تهدیدات واقعی یا احتمالی مربوط است. بطور خلاصه این نوع امنیت بر قابلیت حفظ شرایط قابل پذیرش داخلی برای الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب هويت ملی و رسوم متکی است در چارچوب این تعریف مشخص شدن زمانی که تهدیدی علیه امنیت اجتماعی وجود دارد، دشوار میگردد. امنیت اجتماعی مربوط به وضعیتی است که جوامع تهدیدی نسبت به مولفه های هويت خود احساس می کنند» ویور به جای دولت، جامعه را به مثابه هدف مرجع امنیت مطرح می کند و در تعریف جامعه می گوید: «جامعه را مجموعه ای از نهادهایی می دانم که با احساسی از هويت مشترک عجین باشد جامعه از دیگر گروه های اجتماعی به سبب داشتن درجه بالایی از ثبات اجتماعی، یک تداوم میان نسله‌ها و یک زیر ساختار مستحکم از هنجارها، ارزشها و نهادها متفاوت است.» (موتیمر، ۱۳۸۰: ۳۸۸) ویور معتقد است می توان جامعه را از گروه اجتماعی متمایز کرد. چرا که، نمی توان همه اقسام گروه های اجتماعی را جامعه دانست. گروه های اجتماعی باید آنقدر حائز اهمیت باشند که به نوبه خود مرجع امنیت قرار گیرند و همانند دولت می بایست به عنوان یک جزء در سامانه بین المللی عمل نماید. این بدان معنی است که امنیت اجتماعی در ارتباط با امنیت جامعه به عنوان یک کل متشکل مطرح است و نه به عنوان امنیت گروه های مختلفی که در جامعه وجود دارند. ویور بیان می دارد که: در مقوله امنیت آنچه حائز اهمیت است عبارت است از: زمانی که امکان بسیج کردن یک گروه چشمگیر وجود داشته باشد. بنابراین در اینجا گروه های اجتماعی مورد توجه هستند که قادرند در راستا و در کنار دولت به عنوان اجزای مهم سیاسی در سامانه بین المللی دست به اقداماتی بزنند. در اروپای کنونی عموماً این گروه ها، ملی هستند (بوزان، ۲۰۰۰: ۴۱). با این تفصیل اجزاء اصلی تحلیل در مقوله امنیت اجتماعی عبارتند از گروه ها و موجودیت هایی که از لحاظ قومی، ملی و مذهبی دارای اهمیت سیاسی هستند. بنابراین با تغییر ایده دولت به ایده جامعه به مثابه هدف مرجع امنیت اجتماعی، نوع تهدیدات نیز از نظامی به هويتي تغییر می یابد. چرا که با فرض قبول جامعه به عنوان نظام روابط متقابل که افراد دارای هويت مشترک را به یکدیگر مربوط می سازد، تهدیدات جامعه در قلمرو هويت معنا می یابد. به

بیان دیگر با تحول هدف مرجع امنیت، ماهیت تهدیدات نظامی به مثابه منبع اصلی ناامنی تلقی شده و آمادگی نظامی نیز به نخستین بازار تحقق امنیت مبدل می شود.

• رابرت ماندل^۱

تئورسین دیگر در مطالعات امنیتی رابرت ماندل است. او در کتاب معروف خویش به نام «چهره متغیر امنیت ملی» از بعد سیاسی / فرهنگی امنیت ملی صحبت می کند و آن را از جمله ابعادی می داند که کمتر از سایر موارد به آن پرداخته شده است. ماندل معتقد است ابهام در مرزهای مفهومی امنیت اجتماعی باعث شده که تحلیل گران از برخورد مجزا با این بعد غفلت ورزیده و اغلب آن را به عنوان بخشی از امنیت نظامی یا اقتصادی مطرح نمایند. نکته اساسی در این بعد از امنیت «توانایی جامعه برای تداوم بخشیدن به ویژگی (سیاسی / فرهنگی) بنیادی خود است.» در واقع، امنیت سیاسی / فرهنگی ماندل، منوط به حفظ بنیان هویت سیاسی / فرهنگی جامعه است. چنانکه از مهمترین مسایل را در این بعد شامل آزادی داخلی و تحمل چندگانگی از یکسو و حاکمیت و نظم از سوی دیگر بیان می کند (ماندل، ۱۳۷۹: ۱۵۱). چرا که معتقد است به تدریج که مردم داخل کشورها آزادی بیشتری برای بیان عقاید و عمل کردن به باورها و رسوم خود احساس می کنند. کاملاً طبیعی به نظر میرسد که گروههای قومی، زبانی، مذهبی یا نژادی که سابقاً فرصت زیادی برای نشان دادن خود نداشته اند، تمایل خود را نسبت به داشتن خودمختاری بیشتر ابراز نمایند. بنابراین هدف امنیتی در این بعد عبارت است از: «حفظ مشروعیت سیاسی و هویت فرهنگی از طریق وارد کردن توده ها به فرایند سیاست گذاری.» چنانکه ملاحظه می گردد امنیت سیاسی / فرهنگی مورد نظر ماندل، همان امنیت اجتماعی است که با تامین آزادی و به کارگیری مکانیزم های سازگاری از ایجاد اختلاف میان گروه ها جلوگیری نموده و شرایط امن را برای آنان در کنار یکدیگر در جامعه تضمین می نماید.

دیدگاه های جامعه شناسی مرتبط با زنان سرپرست خانوار

الف) نظریه زنانه شدن فقر یا آسیب پذیری زنان سرپرست خانوار

طرفداران این نظریه نشان می دهند که خانواده هایی که دارای سرپرست زن هستند نه تنها

در همه کشورهای جهان گسترش یافته‌اند، بلکه به درصد اینگونه خانوارهایی که دارای درآمد کمی هستند افزوده شده است. این مساله حتی در کشورهایی که پیشرفته‌ترین قوانین را به نفع زنان وضع کرده‌اند دیده شده است. در این کشورها به رغم کمک‌های دولتی به این زنان، فرایند فقیر شدن آنان همچنان ادامه دارد. از طرف دیگر کودکان در این خانواده‌ها، امکانات رفاهی و عاطفی ناچیزی دارند. یعنی اولاً به دلیل فقیر بودن، حضور کمتری در مدارس دارند و میزان افت تحصیلی آنان بیش از کودکان خانواده‌های دو والدی است؛ ثانیاً به دلیل کم سواد مادران. کمتر در خانه به انجام تکلیف تشویق می‌شوند. همچنین میزان بزهکاری در میان نوجوانان این خانواده‌ها بیشتر از سایر نوجوانان است از سایر مشخصات زنان خانواده‌های زن سرپرست، عدم دسترسی به مشاغل با منزلت است. به عبارت دیگر این زنان سرپرست خانوار، یا اغلب بیکارند و یا مشاغل حاشیه‌ای نیمه وقت، غیر رسمی و کم درآمد به کار اشتغال دارند. مشکل دیگری که بر میزان آسیب‌پذیری این زنان می‌افزاید؛ حتی اگر در مشاغل با منزلت، مشغول به کار باشند، مسئله تنظیم وقت برای انجام کار درون و بیرون از خانه است. این مشکل را صاحب نظران اصطلاحاً فقر زمانی^۱ نامیده‌اند. شرایط حاکم بر زندگی خانواده‌هایی که با سرپرستی زن اداره می‌شوند عبارتند از:

- ۱- عدم دسترسی به فرصت‌های شغلی برابر با مردان
 - ۲- سطوح پایین‌تر سواد، هم در بین زنان و هم در بین فرزندان
 - ۳- دستمزدهای کمتر
 - ۴- درصد بالای افت تحصیلی و بزهکاری کودکان و نوجوانان
 - ۵- مسئله فقر زمانی برای زنان شاغل تمام وقت
- در نتیجه شیوع شرایط فوق در خانواده‌های زن سرپرست شایع‌تر می‌شود. علت اصلی شیوع این شرایط با دلیل آسیب‌پذیری زنان سرپرست خانواده علیه نظام تبعیض آمیز جنسیتی است. یعنی نظامی که به دوجنس امکان نمی‌دهد تا از فرصت‌های اجتماعی، شغل، تحصیل، درآمد، تفریح و ... بهره یکسانی بگیرند (محمدی، ۱۳۸۶: ۲۱ و ۲۸).

ب) نظریه ساختی - کارکردی

بر اساس این نظریه، خانواده‌های زن سرپرست، اساساً به شکل طبیعی و سنتی با خانواده‌های

دو والدی در تضادند و در واقع پیدایش این گروه از خانوارها نوعی انحراف محسوب می‌شود. در این خانواده‌ها «شانس‌های زندگی» کودکان تا حد زیادی کاهش می‌یابد و همچنین عدم اقتدار پدر برای ساماندهی به زندگی خانوادگی، خانواده را با بحران مواجه می‌کند. بحرانی که با ورود زنان به بازار کار به جای انجام وظیفه سنتی (خانه‌داری) شروع شده و به تربیت نامناسب کودکان، افت تحصیلی و بزهکاری آنان ختم می‌شود. بر اساس این نظریه، طبقه پایین^۱ از افراد منزوی تشکیل شده که در «محلات غیر سازمان یافته» ساکن هستند. در خانواده‌های زن سرپرست، میزان بالای جنایت، معاملات مواد مخدر، افت تحصیلی، تولدهای بدون ازدواج و دریافت کمک‌های دولتی دیده می‌شود (مگوان، ۱۹۹۲: ۹۲). تفاوت این نظریه با نظریه قبلی این است که در نظریه قبل علت اصلی آسیب‌پذیری زنان و کودکان «تبعیض‌های جنسیتی» بود. یعنی نابرابر بودن فرصت‌های اجتماعی برای زنان و مردان. ولی در نظریه ساختی - کارکردی، علت فقر و آسیب‌پذیری این گروه از زنان این است که شکل «طبیعی» زندگی خانوادگی یعنی خانواده هسته‌ای دو زوجی از میان رفته است، خانواده‌های زن سرپرست، اساساً به منزله نوعی انحراف از شکل طبیعی خانواده در نظر گرفته می‌شوند. در خانواده‌ی هسته‌ای یا شکل «طبیعی» خانواده، وظایف بین زن و شوهر تقسیم شده است زن باید به کودک و انجام امور خانگی پردازد و مرد باید به عنوان نان آور در خارج از خانه فعالیت کند. به هم زدن سامان طبیعی زندگی خانوادگی خود به خود، مویذ پیدایش فقر و آسیب‌های اجتماعی است (همان: ۳۰).

ج) نظریه کنش

بر خلاف نظریه‌های قبل که همگی جنبه‌ای ساختاری و کلنگرانه داشتند و با دیدی کل‌نگرانه و ساختی به بررسی مسائل زنان سرپرست خانوار می‌پرداختند، طرفداران نظریه کنش از جنبه دیگری به طرح مسئله می‌پردازند. به نظر آنان اگر چه خانواده‌های زن سرپرست مشکلات متعددی دارند (به دلیل تحصیلات کم و تبعیض در بازار کار)، ولی این مسئله به معنای آن نیست که آنها به گونه‌ای حتمی و مطلق، از این شرایط تأثیر می‌گیرند و نمی‌توانند بر مشکلات خود فائق آیند. به عبارت دیگر، نمی‌توان این گروه از زنان را کاملاً قربانی و منفعل در برابر شرایط دانست. بلکه باید با بررسی تجربه‌های شخصی این زنان،

راههای مبارزه با شرایط حاکم بر زندگی آنان را از نزدیک شناخت (محمدی، ۱۳۸۶: ۳۱). به عقیده طرفداران این نظریه شواهدی که از نزدیک موقعیت زندگی زنان سرپرست خانوار را می‌سنجد نشان می‌دهد که اطلاق لفظ «آسیب‌پذیری» به این گروه حداقل به طور مطلق و فراگیر درست نیست. زیرا به این ترتیب، واکنش فردی یا جمعی آنان نسبت به تغییر و بهبود شرایطشان نادیده گرفته می‌شود (مطیع، ۱۳۷۸: ۷-۵).

نقد و بررسی نظریه‌ها

به نظر می‌رسد که هیچکدام از نظریات بیان شده به تنهایی قادر به تبیین و تحلیل وضعیت و شرایط زندگی زنان سرپرست خانوار نبوده و هر کدام ابعادی از مسئله را بیان نموده است. نظریه زنانه شدن فقر تا حدی گویای مسائل در خصوص زنان سرپرست خانوار به خصوص در جامعه کنونی ما می‌باشد ولی نظام تبعیض آمیز جنسی، گاه زنان را از فرصت‌های شغلی، تفریحی و یکسان با مردان محروم می‌سازند و در جامعه تا حدودی کمرنگ می‌باشد. زنان سرپرست خانوار با از دست دادن اتکای خود در زندگی جهت تأمین معاش، با شرایط سخت و دشواری روبرو می‌گردند (محمدی، ۱۳۸۶: ۳۲). نظریه ساختی - کارکردی نیز تا حد زیادی طرفدار شکل سنتی خانواده می‌باشد و اشتغال زن در خارج از خانه را موجب انحراف، کارکردهای خانواده می‌داند و ویژگی‌هایی نظیر میزان بالای جنایات، معاملات مواد مخدر و تولدهای بدون ازدواج مشروع را، به این گونه خانواده‌ها نسبت می‌دهد (همان: ۲۳). نظریه کنش متقابل نیز بیانگر بخشی از مسئله در خصوص زنان سرپرست خانوار می‌باشد. این نظریه عنوان می‌کند که اطلاق لفظ آسیب‌پذیری به تمامی زنان سرپرست خانوار صحیح نیست و نباید همت بالای مادرانی که در شرایط نامطلوب زندگی، همچنان در جهت حفظ کیان خانواده ایستادگی می‌کنند و بر مشکلات فائق می‌گردند، را نادیده گرفت (همان: ۲۴).

چارچوب نظری پژوهش

امنیت زنان کشور یکی از مباحث اساسی است که باید مورد توجه قرار گیرد. عواملی چون فقر مالی و فرهنگی، بیسوادی، بی‌سرپرستی، بی‌اعتباری زنان فاقد سرپرست در جامعه، عدم تطابق نیازها و خواسته‌های انسانی بین افراد، عدم رعایت حقوق زن در عرف اجتماع، از این مقوله است. پیشینه اجتماعی این موضوع نشان می‌دهد که امنیت زنان به درستی

در جامعه ترسیم نشده و در مواردی نیز پایگاه حقوقی ترسیم شده ای از امنیت اجتماعی زنان وجود ندارد. زمانی که به دلایل مختلف همسرانشان را از دست می دهند یا از آنها جدا می شوند به یکباره با جهان دیگری روبه رو می شوند، دنیایی که بسیاری از مختصات آن ناآشناست. دشواری هایی که این زنان تاب می آورند عمدتاً به دغدغه های معیشتی عاطفی، وسواس های فکری، حاشیه های ناخواسته از برخورد نامناسب اطرافیان و... مربوط می شود. در هر حال این گروه از زنان که به عنوان زنان مطلقه یا بیوه در جامعه شناخته می شوند، با مسائل، مشکلات و موانع زیادی در زندگی مواجهند. وجود باورهای غلط و قضاوت های تنگ نظرانه برخی از افراد جامعه نسبت به طلاق و زنان بیوه، باعث احساس بیگانگی، ناامنی در روابط خود با دیگران شده که موجب می شود از حضور در جمع فامیلی احساس معذب بودن کنند. داشتن نگاه سنتی در این زمینه، به خانواده ها این اجازه را نمی دهد که پس از بازگشت دخترانشان از زندگی متاهلی دوباره به او به چشم دختری مجرد و آزاد بنگرند و محدودیت های بیشتری را در رفت و آمد و اشتغال به کار، برای او قائل می شوند. امنیت مالی و جانی و سلامتی از نیازهای درجه اول برای انسان ها محسوب می شود. زنان بیوه در جامعه ما فشارهای روحی - روانی زیادی تحمل می کنند، این فشارها طبیعتاً بر کارکرد اجتماعی و اقتصادی آنها نیز تاثیر می گذارد، بنابراین بافت کیفیت زندگی و احساس نارضایتی از آن مواجه می شوند. به هر حال بیوگی اگر چه نقاط مشترکی در بین زنان دارد اما برای هر کس می تواند تجربه ای متفاوت از دیگری باشد. به این معنا که پارامترهایی نظیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی فرد، سن، باورهای اعتقادی و... در کیفیت این تجربه تاثیر می گذارد. با توجه به شرایط جامعه (شهرایلام) و الگو گرفتن از مکتب کپنهاک می توان عوامل اجتماعی - اقتصادی، اعمال قانون، حمایت خانواده و ویژگی های فردی را بر امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار موثر دانست.

فرضیه های تحقیق

الف) حوزه فردی - خانوادگی

- ۱- به نظر می رسد بین سطح تحصیلات زنان سرپرست خانوار و امنیت اجتماعی آنان رابطه معنادار وجود دارد.
- ۲- به نظر می رسد بین وضعیت تاهل زنان سرپرست خانوار و امنیت اجتماعی آنان رابطه

معنادار وجود دارد.

۳- به نظر می رسد بین حمایت خانواده و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار رابطه معنادار وجود دارد.

۴- به نظر می رسد بین توانمند شدن (اجتماعی- اقتصادی) زنان سرپرست خانوار و امنیت اجتماعی آنان رابطه معنادار وجود دارد.

ب) حوزه اجتماعی-اقتصادی

۵- به نظر می رسد بین نوع منزل مسکونی زنان سرپرست خانوار و امنیت اجتماعی آنان رابطه معنادار وجود دارد.

۶- به نظر می رسد بین میزان درآمد زنان سرپرست خانوار و امنیت اجتماعی آنان رابطه معنادار وجود دارد.

۷- به نظر می رسد بین شبکه روابط اجتماعی و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار رابطه معنادار وجود دارد.

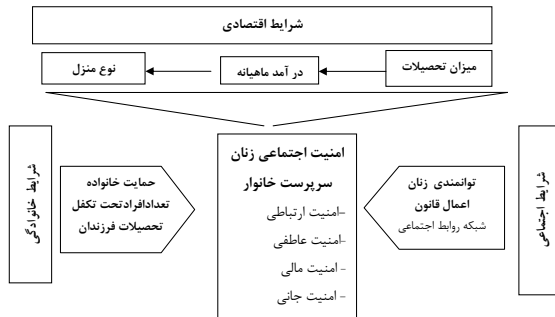
۸- به نظر می رسد بین نوع سازمان حمایتی و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار رابطه معنادار وجود دارد.

۹- به نظر می رسد بین عملکرد قانون و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار رابطه معنادار وجود دارد.

سوالات تحقیق

- ۱- میزان امنیت اجتماعی در میان زنان سرپرست خانوار تا چه اندازه می باشد؟
- ۲- چه پیشنهادها و راهکارهای برای بهبود امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار وجود دارد؟

مدل اولیه پژوهش



روش شناسی

روش مطالعه این پژوهش اسنادی و پیمایشی - میدانی می باشد. جهت مطالعه بررسی میزان امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار از تکنیک های پرسشنامه محقق ساخته و همچنین مصاحبه حضوری استفاده گردیده است. از آنجایی که تئورسین های مکتب کپنهاک با توجه به بافت و زمینه های جامعه غربی، امنیت اجتماعی را تعریف نموده اند کاربرد آن در جامعه غیر از غرب نیازمند جرح و تعدیل می باشد در اینجا امنیت اجتماعی بر اساس بافت جامعه زنان ایلام و مطالعه اکتشافی که در شهر ایلام انجام شده است، تعریف و تحلیل شده است. امنیت اجتماعی در این نوشتار در بعد عینی آن تعریف شده است. در بعد عینی، امنیت اجتماعی به معنای شرایط و موقعیت ایمن و حفظ و گسترش آن برای افراد جامعه در مقابل عوامل بیرونی است. عوامل بیرونی شامل دو بعد (اجتماعی - اقتصادی) است. منظور از بعد اقتصادی، عواملی است که زندگی مادی انسان را تحت تاثیر قرار می دهند. برخورداری از چنین عواملی، موجب می شود که فرد احساس امنیت و آرامش کند و نداشتن آنها فرد را با فقر و نداری روبرو می سازد. وضعیت مالکیت مسکن و وضعیت مالی را می توان از عوامل موثر بر امنیت اجتماعی در بعد اقتصادی دانست. بعد اجتماعی به قلمروهایی از حریم فرد منوط می شود که در ارتباط با دیگر افراد جامعه می باشد. در این قلمروهاست که امنیت فرد حفظ و یا مورد تهدید قرار می گیرد. روابط خویشاوندی، توانمندی، حمایت خانواده و ... همگی از عوامل اجتماعی موثر بر امنیت اجتماعی می باشد. امنیت اجتماعی در این پژوهش در چهار شاخص: امنیت جانی، امنیت مالی، امنیت ارتباطی و امنیت عاطفی تقسیم شده است. متغیرهای شامل: توانمند سازی، اعمال قانون و حمایت خانواده نیز مورد سنجش قرار گرفته است.

ردیف	نام متغیر	تعاریف عملیاتی	وابسته	مستقل	سطح اندازه گیری
۱	امنیت جانی	تنها ماندن در خانه، ترک منزل و رسیدگی به کارهای روزانه، تردد با ماشین های مسافرکشی شب، قدم زدن در مسیر خلوت، رفتن در مسیرهای طولانی	*		رتبه ای
۲	امنیت ارتباطی	اعتماد داشتن به اطرافیان-ارتباط و تعامل با خویشاوندان و دوستان	*		رتبه ای
۳	امنیت عاطفی	میزان روابط چهره به چهره، همدردی و صمیمیت، عاطفه و محبت	*		رتبه ای
۴	امنیت مالی	اطمینان از در امان ماندن اموال و دارایی ها و سایر منابع مالی در برابر آسیب های مختلف	*		رتبه ای

جامعه آماری این پژوهش تمامی زنان سرپرست خانوار (مطلقه و فوت همسر) تحت حمایت سازمان بهزیستی، کمیته امداد امام (ره) و بنیاد شهید و امور ایثارگران شهر ایلام به تعداد ۲۵۰۷ نفر می باشد. در پژوهش حاضر از روش نمونه گیری طبق (برحسب جمعیت زنان سرپرست خانوار هر سازمان) استفاده گردیده است. سپس با بهره گیری از فرمول کوکران نمونه ای به حجم ۳۱۰ نفر انتخاب و در مرحله بعدی با اخذ مجوز لازم، لیست خانوارهای واجد شرایط تهیه و نسبت به انتخاب افراد مورد هدف پژوهش به صورت تصادفی اقدام گردید.

نوع سازمان	بهزیستی	کمیته امداد	بنیاد شهید	جمع
حجم نمونه	۹۷	۱۱۵	۹۸	۳۱۰

اعتبار و روایی

برای تعیین اعتبار تحقیق از اعتبار سازه ای با مراجعه به افراد صاحب نظر و متخصص، از اعتبار محتوا با در نظر گرفتن و تطبیق متغیرها و شاخص ها با فرض های چارچوب نظری استفاده شده است. برای سنجش اعتبار از روش تحلیل عاملی استفاده شده است. همچنین در این پژوهش، از ضریب آلفای کرونباخ برای تعیین روایی شاخص ها بهره گرفته شده است، نتایج مربوط به روایی هر کدام از ابعاد و متغیرها در جدول زیر نشان داده می شود. ضریب آلفای کلی تحقیق ۰/۷۶ ارزیابی شده است.

ردیف	امنیت اجتماعی	تعداد سوالات	آلفای کرونباخ
۱	امنیت جانی	۴ سوال	۰/۸۲
۲	امنیت مالی	۶ سوال	۰/۸۵
۳	امنیت عاطفی	۷ سوال	۰/۷۸
۴	امنیت ارتباطی	۱۱ سوال	۰/۷۱
۵	حمایت خانواده	۳ سوال	۰/۸۴
۶	توانمندسازی	۹ سوال	۰/۸۲
۷	اعمال قانون	۱۲ سوال	۰/۷۴

یافته های تحقیق

بر اساس نتایج توصیفی حاصل از پژوهش، بیشترین فراوانی زنان سرپرست خانوار، در گروه سنی ۴۵-۴۹ سال با ۵۵ درصد کل پاسخ گویان بوده است. از مجموع زنان سرپرست خانوار ۳۱/۹ مطلقه و ۶۸/۱ بی همسر در اثر فوت بوده اند. از نظر تحصیلی ۴۲ درصد پاسخ گویان بی سواد، ۲۵ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۱۴ درصد دیپلم و ۱۲ درصد در مقطع راهنمایی بوده اند. لذا به لحاظ تحصیلی زنان وضعیت مطلوبی ندارد. از نظر میزان درآمد ماهیانه، ۴۹ درصد درآمدی کمتر از ۱۰۰ هزار تومان در ماه داشته اند، ۱۰ درصد بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار تومان، ۲۰ درصد بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار تومان در ماه داشته اند. به لحاظ وضعیت اشتغال، حدود ۹۱ درصد زنان سرپرست خانوار فاقد شغل بوده اند. از لحاظ نوع مسکن ۵۵/۵ درصد دارای مسکن شخصی و ۲۲/۶ دارای منزل استیجاری بوده اند.

جدول شماره (۱) ابعاد امنیت اجتماعی بر حسب پایگاه اقتصادی - اجتماعی

جمع		طبقه پایین		طبقه متوسط		طبقه بالا		نوع طبقه اقتصادی - اجتماعی ابعاد امنیت اجتماعی	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۳۶/۸	۱۱۴	۲۸/۳	۱۳	۴۳/۱	۸۴	۲۴/۷	۱۷	زیاد	امنیت جانی
۲۶/۴	۸۲	۳۲/۶	۱۵	۲۸/۷	۵۶	۱۵/۹	۱۱	متوسط	
۳۶/۸	۱۱۴	۳۹/۱	۱۸	۲۸/۲	۵۵	۵۹/۴	۴۱	کم	
۴۱/۶	۱۲۹	۱۷/۴	۸	۳۹/۰	۷۶	۶۵/۲	۴۵	زیاد	امنیت مالی
۲۷/۸	۸۶	۴۳/۵	۲۰	۲۵/۶	۵۰	۲۳/۲	۱۶	متوسط	
۲۹/۷	۹۲	۳۹/۱	۱۸	۳۵/۴	۶۹	۱۱/۶	۸	کم	
۳۵/۵	۱۱۰	۱۵/۲	۷	۲۶/۶	۵۲	۷۳/۹	۵۱	زیاد	امنیت عاطفی
۲۹/۷	۹۲	۳۹/۱	۱۸	۳۰/۸	۶۰	۲۰/۳	۱۴	متوسط	
۳۴/۸	۱۰۸	۴۵/۶	۲۱	۴۲/۶	۸۳	۵/۸	۴	کم	
۲۸/۷	۸۹	۱۳/۰	۶	۲۴/۲	۴۸	۳۴/۸	۲۴	زیاد	امنیت ارتباطی
۳۲/۶	۱۰۱	۴۵/۷	۲۱	۴۶/۶	۵۶	۵۰/۷	۳۵	متوسط	
۳۸/۷	۱۲۰	۴۱/۳	۱۹	۲۸/۸	۹۱	۱۴/۵	۱۰	کم	
۱۰۰	۳۱۰	۱۰۰	۴۶	۱۰۰	۱۹۵	۱۰۰	۶۹	جمع	

داده های جدول فوق نشان می دهد که ۴۳/۱ از طبقه متوسط، میزان امنیت جانی را زیاد دانسته اند. ۵۹ درصد افرادی که در طبقه بالا قرار دارند و ۳۹ درصد از افراد طبقه پایین، میزان امنیت جانی خود را کم دانسته اند. میزان امنیت جانی در افراد متعلق به طبقات متوسط و بالا بیشتر از افراد طبقه پایین می باشد. زنان سرپرست خانوار طبقه پایین از امنیت مالی کمتری نسبت به طبقات بالا و متوسط برخوردارند. احساس ایمنی در زنان سرپرست خانوار طبقه پایین که در مناطق حاشیه ای شهر زندگی می کنند نسبت با مناطقی که زنان سرپرست خانوار طبقه بالا در آنها زندگی می کنند خیلی پایین است و در معرض تهدیداتی چون سرقت قرار دارند. امنیت عاطفی در زنان سرپرست خانوار بیشتر از سایر طبقات دیگر است. امنیت ارتباطی بعد دیگری از امنیت اجتماعی است، در پرتو آمارهای بدست آمده ملاحظه می شود که هر چه از طبقه بالا به سمت پایین می آییم از میزان امنیت ارتباطی کاسته می شود.

جدول شماره (۲) توصیف شاخص های توانمندی زنان سرپرست خانوار

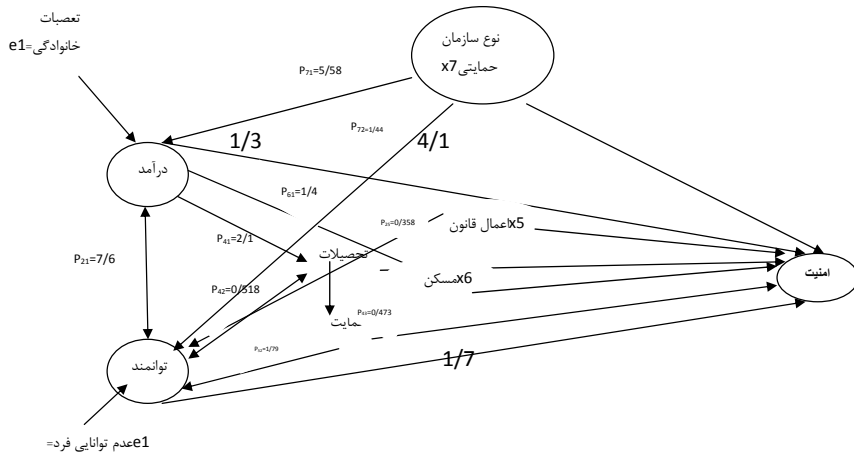
ردیف	مقادیر / شرح گویه	موافق		بی نظر		مخالف		جمع	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
۱	حمایت مالی از زنان سرپرست خانوار	۸/۸۴	۲۶۳	۵/۲	۱۶	۳۱	۰/۱۰	۳۱۰	۱۰۰
۲	آموزش مهارت های زندگی در آگاه نمودن زنان	۱/۸۶	۲۶۷	۴/۷	۲۳	۲۰	۵/۶	۳۱۰	۱۰۰
۳	آموزش مهارت های زندگی در حل مشکلات روحی و روانی زنان	۷/۸۶	۲۶۹	۵/۶	۲۰	۲۱	۸/۶	۳۱۰	۱۰۰
۴	بیمه تامین اجتماعی زنان سرپرست خانوار	۵/۸۵	۲۶۵	۷/۸	۲۷	۱۸	۸/۵	۳۱۰	۱۰۰
۵	رفع محدودیت های (فرهنگی و اجتماعی) زنان سرپرست خانوار	۷/۸۷	۲۷۲	۸/۵	۱۸	۲۰	۵/۶	۳۱۰	۱۰۰
۶	ایجاد فرصت های شغلی متناسب با وضعیت زنان سرپرست خانوار	۹/۹۱	۲۸۵	۹/۳	۱۲	۱۳	۱/۴	۳۱۰	۱۰۰
۷	فراهم نمودن زمینه برای مشارکت زنان سرپرست خانوار	۵/۶۴	۲۰۰	۷/۱۷	۵۵	۵۵	۸/۱۷	۳۱۰	۱۰۰
۸	عضویت زنان در نهادهای چون (بسج، انجمن و اولیاء و...)	۰/۸۷	۲۷۰	۵/۶	۲۰	۲۰	۵/۶	۳۱۰	۱۰۰
۹	تاثیر مشارکت اجتماعی و فرهنگی در آگاه نمودن زنان سرپرست خانوار	۱/۸۵	۲۶۴	۴/۸	۲۶	۲۰	۵/۶	۳۱۰	۱۰۰

با توجه به داده های جدول مذکور، ۹۱ درصد از پاسخگویان موافق این نظر بوده اند که ایجاد فرصت های شغلی برای زنان سرپرست خانوار در توانمندسازی آنان بسیار تاثیر گذار می باشد. ۸۷ درصد از جامعه هدف پژوهش، عنوان نموده اند که رفع محدودیت های (فرهنگی و اجتماعی) و فعالیت در نهادهای چون بسج، انجمن و اولیاء و... در توانمندی زنان سرپرست خانوار تاثیر بسزایی دارد. ۸۵ درصد پاسخگویان اظهار داشته اند پوشش بیمه تامین اجتماعی باعث توانمندی زنان سرپرست خانوار می شود. از نظر پاسخگویان، آگاه سازی زنان سرپرست خانوار از طریق آموزش مهارت های زندگی یکی دیگر از عواملی است که در توانمندسازی زنان تاثیر دارد (۸۶ درصد).

ضریب مسیر^۱ و تجزیه همبستگی

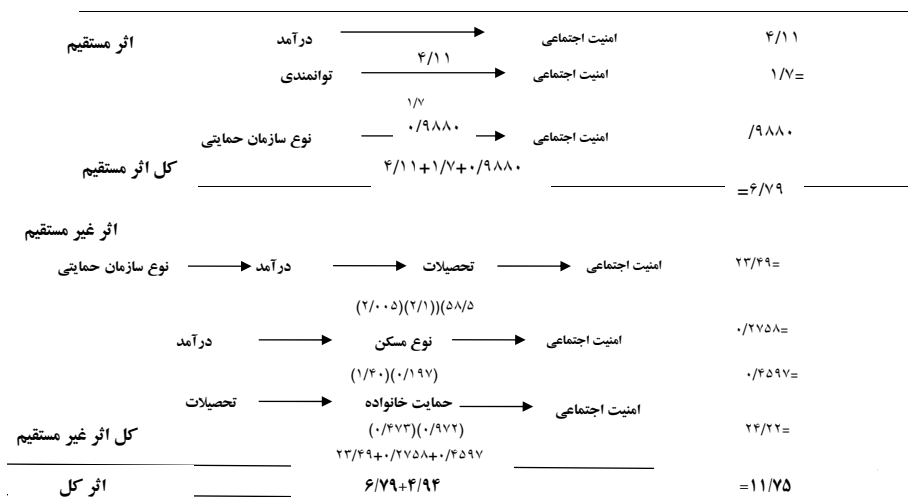
درآمد ماهیانه = X_1 حمایت خانواده = X_3 اعمال قانون = X_5
 توانمندی زنان = X_2 میزان تحصیلات = X_4 مسکن = X_6
 نوع سازمان حمایتی = X_7

دیاگرام مسیر



همانگونه که از دیاگرام مسیر مشاهده می گردد تعصبات خانوادگی و عدم توانایی فرد، دو متغیری هستند که تاثیر منفی بر متغیر مستقل گذاشته اند. تعصبات خانوادگی سبب می گردد که زنان سرپرست خانوار، خارج از محیط خانه به کار اشتغال نداشته و فاقد درآمد مناسبی هستند. بنابراین هرچه تعصبات خانوادگی بیشتر باشد اشتغال و درآمد فرد کاهش می یابد. عدم توانایی شخصیت فرد تاثیر منفی بر توانمندی او دارد.

عوامل اجتماعی موثر بر امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار



دو متغیر درآمد (۴/۱) و توانمندی زنان سرپرست خانوار (۱/۷) تاثیر مستقیم بر امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار دارد. تحصیلات و حمایت خانواده با مجذور واریانس (۰/۴۵۹۷) تاثیر بالای بر امنیت اجتماعی دارد.

جدول شماره (۳) تحلیل عامل متغیرهای مستقل

منبع	مجموعه مجذورات	Df	میانة مجذورات	Sig=۰/۰۵
مدل خطی مستقیم	۳۱۰۰۱/۷	۲۶۷	۱۱۵/۷	P<۰/۰۰۰
اثر تعامل بین متغیرها	۵۲۹۴۲۷/۵	۱	۵۲۹۴۲۷/۵	P<۰/۰۰۰
حمایت خانواده	۸۸۵/۷	۹	۹۴/۴	P<۰/۰۰۱
توانمندی زنان	۱۸۶۴/۰	۲۲	۸۴/۷	P<۰/۰۰۰
اعمال قانون	۲۲۹۷/۶	۳۲	۷۱/۸	P<۰/۰۰۰
حمایت خانواده- توانمندی زنان	۸۰۵/۷	۱۷	۴۷/۴	P<۰/۰۲۷
حمایت خانواده- اعمال قانون	۱۳۷۳/۵	۲۰	۶۸/۷	P<۰/۰۰۱
توانمندی زنان- اعمال قانون	۳۹۷۵/۱	۵۷	۶۹/۷	P<۰/۰۰۰

R²=97%

باتوجه به تحلیل عاملی که در فاصله اطمینان ۹۵٪ صورت گرفته، سه متغیر حمایت خانواده، توانمندی زنان و اعمال قانون تاثیر فراوانی بر امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار دارد. (۰/۹۷=۱)

جدول شماره (۵) آزمون معنی داری ابعاد امنیت اجتماعی سرپرستان خانوار و پایگاه اقتصادی-اجتماعی آنان

رتبه	ابعاد امنیت اجتماعی	انحراف معیار	ضریب همبستگی کندال t	Sig=۰/۰۵
۱	امنیت ارتباطی	۰/۱۳۴	۰/۱۳۴	P<۰/۰۰۴
۲	امنیت عاطفی	۰/۰۶۱	۰/۰۶۱	P<۰/۰۰۰
۳	امنیت جانی	۰/۱۶۴	۰/۱۶۴	P<۰/۰۰۰
۴	امنیت مالی	۰/۱۵۸	۰/۱۵۸	P<۰/۰۰۰

ضریب همبستگی کندال t در فاصله اطمینان ۹۵٪ رابطه مثبت و معناداری بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان سرپرست خانوار و ابعاد امنیت اجتماعی آنان را نشان می دهد.

جدول شماره (۶) رابطه بین توانمندی زنان سرپرست خانوار و ابعاد امنیت اجتماعی آنان

رتبه	ابعاد امنیت اجتماعی	انحراف معیار	ضریب همبستگی اسپیرمن	Sig=۰/۰۵
۱	امنیت ارتباطی	۰/۰۲۶	-۰/۳۰۹	P<۰/۰۰۰
۲	امنیت عاطفی	۰/۰۲۲	۰/۴۹۱	P<۰/۰۰۰
۳	امنیت جانی	۰/۰۷۱	۰/۳۰۱	P<۰/۰۰۰
۴	امنیت مالی	۰/۱۴۳	۰/۳۶۵	P<۰/۰۰۰

با توجه به داده های جدول فوق، آزمون همبستگی اسپیرمن رابطه بین توانمندی زنان و امنیت عاطفی، جانی و مالی آن ها را مثبت و معنادار نشان می دهد. اما بین توانمندی زنان و امنیت ارتباطی، رابطه ای منفی و معنادار وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری

مهم ترین نیاز امروز زنان برای گسترش فعالیت های اجتماعی آنها ایجاد امنیت است و هرچه حضور زنان در عرصه های مختلف جدی تر و پررنگ تر باشد امنیت آنها بیشتر خواهد شد. از آنجا که امروزه بدون حضور و مشارکت زنان در اجتماع اداره امور منزل و تربیت فرزندان نیز غیرممکن به نظر می رسد زنان ناچار به اداره امور اقتصادی، منزل، رفت و آمد داخل شهری و انجام کارهای اداری و امور آموزشی و درمانی خانواده می باشند در نتیجه فضاهای اجتماعی صرفاً مردانه، احساس امنیت و اطمینان را از آنان سلب می کند. زنان سرپرست خانوار به عنوان پایه و اساس نهاد خانواده در سراسر جهان به هنگام از دست دادن همسرانشان، یا بیماری و یا بیکاری آنان، سرپرستی و اداره خانواده را برعهده می گیرند. بدین لحاظ با مشکلات و موانع عدیده اقتصادی، اجتماعی و قانونی روبرو می گردند. معمولاً خانوارهایی که بوسیله زنان سرپرستی می شوند از نظر دستیابی به امکانات و خدمات، محدودیت دارند. زنان سرپرست خانوار اغلب با عواملی چون عدم دسترسی به فرصت های شغلی، کم سواد، نداشتن درآمد مستمر مواجه هستند و این در حالی است که روز به روز بر تعداد این زنان سرپرست خانوار افزوده می شود. نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد که تئوری امنیت اجتماعی در سطح تجربی تایید گردید. چراکه امنیت اجتماعی در گرو توان و قدرت واحد اجتماعی تعریف شده زنان سرپرست خانوار، به ازای افزایش تحصیل، درآمد، شغل، حمایت خانواده و جامعه امنیت اجتماعی آنان بالا می رود. در واقع با افزایش توانمندی زنان، امنیت اجتماعی آنان تامین می گردد. براساس تکنیک تحلیل عاملی که به دست آمده، عامل های حمایت خانواده، توانمندی زنان و اعمال قانون بیشترین تاثیر را بر امنیت اجتماعی زنان دارند. در مجموع این نتیجه به دست آمد که میانگین امنیت جانی و مالی در بین زنان سرپرست خانواری که درآمد بالایی دارند بیشتر است.

امنیت ارتباطی تفاوت معناداری نشان نداد چرا که زنان سرپرست خانوار به دلیل نگرش سنتی و منفی که جامعه به آنان دارند روابط و ارتباطات اجتماعی کمتری دارند. زنان سرپرست خانوار نسبت به زنان دارای همسر احساس خطر بیشتری به امنیت ارتباطی خود دارند. پیامدهای فرهنگی ناشی از بی همسری، منزوی شدن این گروه از زنان را به دنبال دارد. امنیت عاطفی در بین زنان سرپرست خانواری که به دلیل فوت همسر بی سرپرست شده اند در حد بالایی مشاهده گردید. به این دلیل زنانی که همسر آنان فوت نموده اند از حمایت های

خانواده شوهر برخوردار هستند و مشکلات کمتری دارند.

کیفیت حمایت اجتماعی از کمیت آن تاثیر گذارتر است. در تحقیقات و تجربیات گذشته مشخص گردیده که زن و شوهر می توانند منبع بزرگ حمایتی برای یکدیگر باشند و در حل مشکلات به هم کمک کنند و حتی اگر قادر نباشند که مشکل یکدیگر را حل کنند یک منبع آرامش برای هم می باشند. این گروه از زنان از حمایت های عاطفی همسران محروم و به حمایت اجتماعی و حمایت ابزاری رسیده اند. سازمان های حمایتی توانسته اند از بعد حمایت ابزاری (کمک های مادی و اجتماعی) بخشی از خلاء همسر را پر کنند که در این میان حمایت اجتماعی از همسران شهداء وضعیت بهتری دارد.

فقر زنان سرپرست خانوار تنها فقر اقتصادی نیست و فقر این زنان دارای ابعاد چندگانه اجتماعی، روانی و فرهنگی هم هست. فقر زنان به ویژه عدم دسترسی به منابع و نیز بی سواد و کم سواد و در نتیجه پایین بودن سطح آگاهی های بیشتر زنان سرپرست خانوار نسبت به مشارکت اجتماعی، زمینه توانمندی اجتماعی آنها را فراهم نکرده است. افزایش منابع قدرت و موقعیت اجتماعی زنان تاثیر بسزایی در امنیت اجتماعی آنان دارد. تسهیلات، توان مالی، همچنین وضع قوانین حقوقی و اجتماعی برابر میان زن و مرد موجب امنیت بخشی بیشتر به زنان می شود.

توانمندسازی زنان، سبب بالا رفتن اعتماد به نفس، کسب یک هویت مستقل و بهبود وضعیت اجتماعی آنان می شود که کل جامعه از آن منتفع خواهد شد. با آموختن حرفه به این زنان یا یافتن کار مناسب برای آنان یا فرزندانشان و مشارکت دائم آنان در فعالیت های اجتماعی و فرهنگی، بخشی از امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار تامین می شود. توانمندسازی اجتماعی با توجه به مولفه نگرش سنتی نسبت به نقش زنان در جامعه ای صورت گرفته است که بر این باور می باشند که نقش زنان محدود به خانه داری و بچه داری است.

پیشنهادات و ارائه راهکارها

با توجه به نتایجی که در طول پژوهش به دست آمد پیشنهادات ذیل در دو بخش اهداف کوتاه مدت و بلند مدت عنوان می گردد:

الف- اهداف کوتاه مدت

۱- تامین نیازهای معیشتی و حمایت های مالی به صورت نقدی و غیر نقدی به زنان



سرپرست خانوار

ب- اهداف بلندمدت

- ۲- تعالی و منزلت بخشیدن مادران و زنان سرپرست خانوار
- ۳- ایجاد اشتغال و خودباوری برای زنانی که از تخصصی خاص برخوردار بوده و توانایی کار کردن دارند، از جمله عوامل تاثیرگذار می باشد.
- ۴- تامین نیازهای بیمه ای اعم از درمانی و سایر خدمات تکمیل بیمه برای زنان سرپرست و افراد تحت تکفل
- ۵- برگزاری کارگاه های آموزشی و توسعه آگاهی های حقوقی، فرهنگی و اجتماعی
- ۶- برگزاری کلاس های آموزش مهارت های زندگی اعم از مهارت های ارتباطی و حل مساله
- ۷- فرهنگ سازی و ترویج ازدواج مجدد زنان بیوه
- ۸- آگاه سازی جامعه نسبت به مسائل و مشکلات زنان سرپرست خانوار از طریق رسانه های گروهی به خصوص صداوسیما
- ۹- فرهنگ سازی در خانواده ها جهت حمایت از زنان سرپرست خانوار و حمایت از آنها به عنوان یک شخصیت مستقل
- ۱۰- توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در عرصه های مختلف فرهنگی، اقتصادی و ...
- ۱۱- ارتقاء آگاهی ها و آموزش خانواده، زنان و دختران در خصوص وقوع بحران هایی مانند بیوه گي، از کارافتادگی همسر و ... به منظور بالا بردن قدرت مدیریت زنان در مقابله با این گونه بحران ها

- ۱- افتخاری، اصغر (۱۳۸۰)، نامنی جهانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول
- ۲- افتخاری، اصغر (۱۳۸۴)، ساختار اجتماعی امنیت، مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران (مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی)، معاونت اخباری ناجا، شماره یک، تهران: انتشارات گلیونه
- ۳- بمانیان، محمدرضا و دیگران (۱۳۸۸)، سنجش عوامل موثر بر ارتقای امنیت زنان در محیط های شهری (مورد: محدوده اطراف پارک شهر-تهران)، مجله پژوهش زنان، دوره ۷، شماره ۳
- ۴- بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولت ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: چاپ اول
- ۵- تقی نژاد، حمید (۱۳۸۶)، بررسی شیوه های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار استان تهران منطقه شهرری، استادراهنما: دکتر رفعت جاه، مشاور: دکتر شهناز طباطبایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران
- ۶- زنجانی، عمید (۱۳۷۳)، فقر سیاسی، جلد یک، تهران: انتشارات امیرکبیر
- ۷- صدیق سروسستانی، رحمت الله (۱۳۷۵)، عوامل و موانع اجتماعی امنیت در ایران؛ همایش توسعه و امنیت عمومی؛ معاونت امنیتی وزارت کشور، ناشر وزارت کشور
- ۸- عبادتی نظرسو، سمیه (۱۳۸۸)، بررسی عوامل اقتصادی- اجتماعی موثر بر احساس آرامش و امنیت اجتماعی زنان دانشجویی رشته علوم اجتماعی در تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد (پژوهش)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن
- ۹- عمید، حسن (۱۳۷۵)، فرهنگ عمید؛ جلد یک، تهران: انتشارات امیرکبیر
- ۱۰- کلاهچیان، محمود (۱۳۸۲)، راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، معاونت اجتماعی و ارشاد نیروی انتظامی، شماره یک، جلد اول
- ۱۱- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز
- ۱۲- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی
- ۱۳- لرنی، منوچهر (۱۳۸۳)، آسیب شناسی امنیت، تهران: پیام
- ۱۴- محمدی، زهرا (۱۳۸۶)، زنان سرپرست خانوار، زیر نظر مرکز اطلاعات و آمار زنان، صاحب امتیاز شورای فرهنگی اجتماعی زنان، تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان
- ۱۵- معین، محمد (۱۳۷۷)، فرهنگ معین، تهران: انتشارات امیرکبیر
- ۱۶- ماندل، رابرت (۱۳۷۹)، چهره متغیر امنیت ملی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ۱۷- میرعرب، مهرداد (۱۳۷۹)، نیم نگاهی به مفهوم امنیت، مجله علوم سیاسی، سال سوم، شماره نهم
- ۱۸- موتیسمر، دیوید (۱۳۸۰)، فراسوی استراتژی؛ اندیشه انتقادی و مطالعات امنیتی نوین، ترجمه محمود عسکری، فصلنامه مطالعات راهبردی، پاییز
- ۱۹- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۲)، درآمدی بر امنیت اجتماعی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی سال ششم،

۲۰- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۸)، امنیت اجتماعی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول
۲۱- ورسلی، پیترا (۱۳۷۸)، نظم اجتماعی در نظریه های جامعه شناسی، سعید معیدفر، تهران: انتشارات

کیهان

22- Buzan Barry(2000), security studies:Beyond strategy.

23- Megowan, L.(1990), The determinant and consequences offemale headedand Household.Population conciland the international center for Re-search women.

24- M.Lubuva, John and Anna Mtani(2004)"Urban Space and Security:A Case of the Dar es Salaam", Safety Audits for Women, Dar es Salaam, Tanzania,13-17."Making Safer Places, Women's Safety in our Cities",National Conference,Conference Report,London,18 th November 2005.